

زندگینامه آیت الله العظمی حاج رضا مدنی کاشانی

ولادت:

مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا رضای مدنی فرزند آیت الله ملا عبد الرسول مدنی، از علمای بزرگ معاصر ، در شب

چهارشنبه ۲۳ محرم الحرام سال ۱۳۲۱ هجری قمری در شهر کاشان در یک خانواده روحانی دیده به جهان گشودند.

خانواده مدنی از خانواده های با سابقه علمی ایران و از دیار عالم پرور و ادب آفرین شیراز بوده اند، جد بزرگوار ایشان

مرحوم ملامحمود شیرازی در حدود سال ۱۲۰۰ هجری قمری از شیراز به کاشان هجرت فرمودند.

والد معظم له: والد ایشان مرحوم آیت الله آقای ملا عبدالرسول مدنی مشهور به مجتهد کاشانی بوده اند که در علوم

مختلفه صاحب نظر بوده اند.

دوران تحصیل:

مرحوم مدنی دوران تحصیلات مقدماتی و سطح را در کاشان و در محضر علمای بزرگواری همچون مرحوم والدشان و

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمود نجفی تبریزی و مرحوم آیت الله آقا سید محمد علوی بروجردی و جد بزرگوار

مادریشان مرحوم آیت الله العظمی آقای ملا حبیب الله شریف کاشانی گذراندند و از محضر این بزرگواران که همه از

علمای مشهور بودند کسب علم و ادب نمودند.

معظم له در حدود سال ۱۳۴۰ هجری قمری همزمان با تشریف فرمایی حضرت آیت الله العظمی حائری یزدی ، موسس

حوزه علمیه قم ، به همراه چند نفر از دوستانش ، از جمله آقا مهدی فاضل نراقی ، جهت ادامه تحصیل و تکمیل تحصیلات

به قم آمدند و با علاقه فراوان به تحصیل و تعلیم و تحقیق پرداخته و حاصل همین پشتکار بود که به زودی به مراحل بالای علم و اجتهاد دست یافتند و از قله های برافراشته فقاقت و تقوی گذر کردند. تا اینکه در سال ۱۳۴۵ هـ. ق از حاج شیخ عبد الکریم حائری موقّق به اخذ اجازه اجتهاد گردید.

ایشان همچنین دارای اجازات از بزرگان دیگری چون استاد موسس ، آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری ، آیت الله العظمی آقاضیالدين عراقی ، آیت الله العظمی سیدابوالحسن اصفهانی و آیت الله العظمی شیخ محمدرضا اصفهانی نیز می باشند .

متن اجازه آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری به این شرح است:

مراتب عالیہ جناب معظم له مخفی نیست و بحمدالله به اقصی مرتبه فضل و کمال واصل و به مرتبه اجتهاد نائل. فله العمل بما استنبطه من الاحکام و یحرم علیه التقليد و لله درّه و کثر بین الانام مثله. حرره الاحقر عبدالکریم الحائری.

علاوه بر اجازه فوق معظم له از حضرت آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی و نیز آیت الله العظمی ضیاءالدين عراقی نیز اجازه اجتهاد دریافت کرده اند.

ایشان بعد از دریافت اجازه، مدتی را در نجف اشرف و در کنار بارگاه ملکوتی امام علی (ع) و باب العلم علوم انبیا به سر بردند و با عالمان و مراجع بزرگوار حوزه علمیه نجف دیدار و گفت و گو داشتند.

خاطرات تحصیل :

ایشان زندگی سخت طلبگی را به خاطر آسودگی روح و شوق به تحصیل تحمل کرده و تلخی سختی ظاهری آن ایام را با حلاوت عشق به خدا و فقه اهل بیت علیهم السلام تحمل می فرمودند. خود این لحظات شیرین را چنین توصیف فرموده اند:

آن روزها یک چراغ نفتی داشتیم، که شبی صنار نفت در آن می ریختیم، و این چراغ هم روشنایی اتاق ما را تامین می کرد و هم غذایمان را روی آن می پختیم، روزی یک سیر گوشت می گرفتیم و چهار نفر آن را می خوردیم، یک روز هم اتاقی ها به من گفتند از این به بعد باید ۲۵ شاهی بدهی ولی من که نمی توانستم بیش از روزی یک قران خرج کنم گفتم: ندارم، اگر نمی خواهید با من هم اتاق نشوید، این را هم بگویم که با همان روزی یک قران به خوشی زندگی می کردیم و حتی من گفتم اگر بهشتی روی زمین باشد همین جاست، تا هنگامی که در مدرسه فیضیه بودیم هر روز صبح یک ساعت قبل از اذان به حرم می رفتیم و مطالعه و تحقیق می کردیم تا وقتی بعد از نماز صبح با علما به بحث می پردازیم آمادگی بیشتری داشته باشیم.

برنامه ما معمولا به این ترتیب ادامه پیدا می کرد تا زمان درس شیخ عبدالکریم فرا می رسید، بعد از درس خصوصی ایشان که در منزل حاج شیخ علی بلورفروش برپا می شد می رفتیم و درس و بحث را دنبال می کردیم تا شب که نماز را به آقا شیخ عبدالکریم اقتدا می کردیم، البته نماز عشا را، چون نماز اول ایشان معمولا خیلی به طول می انجامید و ما هم فرصت زیادی نداشتیم، بعد هم درس اصول شروع می شد، به طور کلی در طول شبانه روز بیش از ۴ تا ۵ ساعت نمی خوابیدیم و با توجه به اینکه من هر ماه فقط سه تومان برای خرج کردن داشتم زندگی را تقریبا با دشواری می گذراندم.

آن سه تومان را نزد عطار محل می گذاشتم و روزی یک قران از آن را خرج می کردم و سخت مواظب بودم که بیش از آن خرج نکنم چون پول دیگری نداشتم و باید با این مقدار تحصیلم را ادامه می دادم.

به خاطر دارم بعضی روزها آنقدر مشغول درس و بحث و مطالعه می شدم که اصلا غذا را فراموش می کردم و گاهی اوقات هنگام غروب شخصی به نام آقا شیخ ابراهیم که قاری قرآن بود و در گلدسته اذان می گفت نان و پنیر و هندوانه ای فراهم می کرد و ما می خوردیم. روزها آن قدر گرفتار بودم حتی فرصت پنج دقیقه صحبت خصوصی با کسی را نداشتم.

جمعی از اساتید صاحب نام ایشان عبارتند از:

- مرحوم آیت الله العظمی آقای ملاحیب الله شریف کاشانی (جد معظم له)

- مرحوم آیت الله العظمی ملا عبدالرسول مدنی کاشانی (ابوی معظم له)

- مرحوم آیت الله العظمی آقای سید محمد علوی مجتهد کاشانی

- مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا رضای اصفهانی معروف به مسجدشاهی

- مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی

از دوستان و همشاگردیهای ایشان میتوان شخصیتهای زیر را نام برد:

- مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خمینی(ره)

- مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری

- مرحوم آیت الله العظمی حاج سید احمد خوانساری

- مرحوم آیت الله العظمی حاج آقا روح الله خرم آبادی

- مرحوم آیت الله العظمی شیخ مهدی فاضل نراقی

- آیت الله العظمی آقای حاج سید محمدرضا گلپایگانی (ره)

آثار و تالیفات

آیت الله مدنی کاشانی در کار تألیف و تصنیف کوشا بود و آثاری از خود بر جای نهاد که نشان دهنده قدرت استنباط در مسائل فقهی است.

کتاب های ایشان که چاپ شده اند عبارتند از:

تعلیقہ شریفہ علی بحث الخيارات و الشروط ، براهین الحج للفقهاء و الحجج (۴ جلد) ، کتاب القصاص للفقهاء و الخواص ،

کتاب الديات ، کشف الاستار عن حکم المغرب و الاستتار ، فرائض المقلّدين (رساله عملیه) ، رساله فی حکم التيمم لضيق

الوقت و عدم دليل عليه مع وجود الماء عنده ، کتاب الخلافة ، کشف الحقائق فی الرد علی الزنديق و المنافق ، رساله فی

اصول مذهب تشيع ، مناسک حج ، الحجابيه ، من ولی السفهاء ، رساله فی الربا ، رساله فی آنيہ الذهب و الفضة ، کفایه رويۃ

الهلال فی البلاد البعيده ، آل محمد کیست؟ ، رساله در ولایت فقیه

کتاب هایی که تالیف فرموده اند ولی چاپ نشده است:

الحواشی علی کتاب العروة الوثقی ، الحاشیه علی الغایة القصوی ، الحواشی علی توضیح المسائل ، رساله فی الحدود

آیت الله مدنی سالها در کاشان به وظایف روحانیت مشغول و در مدرسه و مسجد میان‌چال به نماز جماعت می‌پرداخت و به تدریس اشتغال داشت. این عالم وارسته علاوه بر تدریس و تربیت طلاب علوم دینی به ایفای مسئولیتهای اجتماعی نیز همت می‌گماشت . آیت الله مدنی کاشانی در کمک به محرومان و مستمندان پیشگام بود و در رسیدگی به امور مردم همواره تلاشی بی دریغ می‌کرد .

ایشان در طول زندگی پربرکت خود یک لحظه از مجاهدت در راه ترویج اسلام دست برنداشتند و معتقد بودند علاوه بر ارتقا معنویات و اخلاق باید معرفت دینی و سیاسی مردم ارتقا پیدا کند. مرحوم آیت الله مدنی کاشانی بینش سیاسی خود را از پدر بزرگوارشان مرحوم ملاعبدالرسول مدنی که از نظریه پردازان حکومت مشروطه مشروعه بودند و همچنین در زمان تحصیلات حوزوی خود در کاشان و قم کسب کردند ، ایشان از شاگردان مبرز مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی و شاهد درگیری علما با مسائل سیاسی جاری مملکت بودند. روی کار آمدن رضاشاه و اقدامات او در ایجاد نظام وظیفه ، قانون پوشش متحدالشکل و کشف حجاب ، ممنوعیت پوشیدن لباس روحانیت و اجرای برنامه های ظاهرا نوگرایانه و فشار دولتهای انگلیس و روس در چپاول ثروتهای مملکت زمینه را برای موضعگیری آشکار ایشان بر ضد رژیم سلطنتی مهیا ساخت . نظرات سیاسی ایشان را در نوشته ها و فتاوای معظم له ملاحظه می کنیم . از مهمترین نظرات سیاسی مرحوم آیت الله العظمی مدنی کاشانی نظریه ضرورت فراهم آوردن شرایط و امکان دعوت همه انسانها به اسلام است . ایشان در عین احتیاط و دقت در استفاده از واژه ها معتقد بودند اسلام ظرفیت آن را دارد که به همه مسائل روز اعم از داخلی ، منطقه ای و جهانی پاسخ بدهد و با استناد به آیه ۶۰ سوره انفال « واعدوا لهم ما استطعتم

من قوه و من رباط الخیل ... « شرط امکان آن را این می دانستند که مسلمین با بهره گیری از تعالیم اسلامی در همه زمینه ها حرف اول را بزنند. مرحوم آیت الله العظمی مدنی کاشانی به دانش آموزان ، دانشجویان و طلاب علوم دینی برای تهذیب اخلاقی و هدفمندی و ابتکار و پشتکار و بینش سیاسی و عدم توجه به ظواهر امور تاکید می کردند و توجه به این امور را زمینه ساز رسیدن به استقلال و خودکفائی کشور در همه زمینه ها میدانستند و معتقد بودند که مسلمین باید در همه زمینه ها قوی باشند تا نیازی به خارجی ها برای رتق و فتق امور خود نداشته باشند. ایشان پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رحمت الله علیه را مقدمه ترقی و تعالی ملت مسلمان ایران دانسته و تاکید داشتند ، باید تلاش کنیم در این فرصت بدست آمده برای معرفی زیباییهای اسلام که تبلور آن پیشرفت و تعالی و رسیدن انسانها به عدالت اجتماعی است توفیق حاصل کنیم .

ارتباط با شهید بهشتی

با توجه به موقعیت اجتماعی و معنوی آیت الله مدنی کاشانی، مسوولان بلندپایه نظام رسیدن به خدمت شاگرد مکتب جعفری را مغتنم می شمردند. یکی از این افراد شهید بهشتی بود. ایشان در زمان ریاست قوه قضاییه مسافرتی به کاشان داشت. در این ملاقات برخی از مسائل و مشکلات دستگاه قضایی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

معظم له در آن گفت وگو تصریح کردند: اگر بخواهیم کار مربوط به قضاوتها درست شود و یک ترتیب خوبی داده شود باید از طریق حکمین که در شرع مقدس هم رسیده عمل کنیم.

ایشان معتقدند: اگر قاضی شخصی مجتهد، عادل و آدم درستکاری باشد. زود به زود حکم نمی کند. خود حضرت امیر

(ع) تحقیق می کرد، و ارسی می کرد. حتی سه نفر آمدند نزد حضرت امیر (ع) گفتند: فلانی زنا کرده است. حضرت

فرمود: چهارمین شما کجا است؟ گفتند حالامی آید. حضرت فرمود: شما حدّتان را بخورید تا او (چهارمی) بیاید.

حضرت آیت الله مدنی بعد از نود و یکسال و یازده ماه عمر پر برکت در هنگام اذان ظهر روز جمعه ۲۴ ذی الحجه سال

۱۴۱۲ هجری قمری مطابق با پنجم تیرماه سال ۱۳۷۱ هجری شمسی دار فانی را وداع گفت و به دیار باقی شتافتند.

مدفن ایشان در آرامگاه خانوادگی در زیارت پنجه شاه کاشان است.

در پی اعلام انتشار خبر رحلت این بزرگوار بازار کاشان ۳روز تعطیل و فرمانداری کاشان ۳روز عزای عمومی اعلام کرد و

سیل مردم عزادار برای عرض تسلیت به بازماندگان آن عالم بزرگ به بیت ایشان آمدند. ضمناً از طرف مقام معظم

رهبری و سایر مراجع بزرگوار پیام های تسلیتی صادر شد.

منابع: سایت انتشارات مرسل / روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۳۸۵/۴/۵

سایت کاشان کتاب / پایگاه اطلاع رسانی استان فارس (فارس نما)

سایت جامع خبری گردشگری کاشان / آیت الله مدنی کاشانی؛ فروغ فقاقت : احمد شریف

آئینه دل (مجموعه سروده های آیت الله مدنی)، با مقدمه سید محمد راستگو